

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر: آرش کمانگر شماره 210 یکشنبه 21 تیر 1383 11 ژوئیه 2004



جنبش دانشجویی در جستجوی گفتمان جدید!

تقی روزبه t.roozbeh@freenet.de

جنبش دانش جونی همان گونه که در برخی بیانیه ها ومقالات و مصاحبه های فعالین جنبش دانش جونی ابراز شده است، در پی شکست گفتمان اصلاح طلبی در جستجوی گفتمان جدیدی است. بی تردید، گفتمان جدید بدون نقد همه جانبه و ریشه ای گفتمان شکست خورده ونقد نسبت جنبش دانش جونی با آن ناممکن است. بنیاد نقد فوق را می توان در دو محور، شکست اندیشه تحقق ولایت مشروط ازیکسو و گسست پروژه اصلاح طلبی از تکیه بر مردم و جنبش های اجتماعی و مطالبات آن ها ازسوی دیگر جستجو کرد. در نقد عملکرد جنبش دانش جونی می توان در یک کلام به حاکمیت "نگاه به بالا" در این جنبش و بازی در بساط بالایی ها اشاره کرد. بقیه در صفحه 2

مرگ دختران نوجوان بر اثر سقط جنین

مهرانگیز میناخانی

دیدگاه

خبرگزاری ایسنا 9 تیر خبر از مرگ دختران زیر 16 سال بر اثر سقط جنین می دهد. از هر ده دختر زیر شانزده سال که سقط جنین می کند یکی بر اثر سقط جنین می میرد. سالهاست که گوشمان از خبر خرید و فروش دختران و زنان جوان ایرانی پر شده است. هیچوقت نمی توان مطبوعات را ورق زد و خبری از کشف یک باند قاچاق با یک باند فحشا در آن ندید. دختران ایرانی در فحیره همچون بردگان به صف شده و فروخته شدند، فاجعه ای که آب را از آب تکان نداد.

بقیه در صفحه 4

گوشه هایی از کنفرانس بنیاد پژوهشهای زنان

لاله حسین پور

پانزدهمین کنفرانس بین المللی سالیانه بنیاد پژوهش های زنان ایران با شرکت بیش از 500 نفر در شهر برلین تشکیل شد. فضایی دوستانه و مهربان با سازماندهی آک تمیز و کم و بیش بی نقص بر کنفرانس حاکم بود. فضایی پر از صمیمیت. هر جا می رفتی نگاهی مهربان بر تو بود، نه تنها روز اول، حتی روز آخر. بعد از خستگی ها و بی خوابی ها. اگر کاری داشتی، به هرکس رجوع می کردی، با تو همراه بود. از پاس دادن تو به این و آن خبری نبود. همین تنها، نشان از بلوغی 15 ساله داشت. نشان از هدر نرفتن این 15 سال. آفرین! بقیه در صفحه 3

عراق، باتلاق بی انتهای اشغالگران!

جمشید پدram

سناریوهای مکرر رهبران امریکا و انگلیس برای آرام کردن اوضاع در عراق و استقرار مهره های دست نشانده ودست پرورده خود در آنجا هنوز نتوانسته است پیروزی ملموسی در پی داشته باشد. اشغال اولیه عراق، پیروزی بر ارتش عراق، دستگیری بسیاری از امرای ارتش و مقامات امنیتی و به خدمت گرفتن پاره ایی از آنها، بمباران مکرر شهرها، خانه گردی ها و به رگبار بستن شهروندان به بهانه مشکوک بودن نیز نه تنها کمکی به جلوگیری از حملات مردم به اشغالگران نکرده بلکه آنها را در پیگیری اهداف خود مصمم تر کرده است. بقیه در صفحه 5

* در مسلخ عشق جز نکو را نکشند !! *

بیاد دو رزمنده راه کارگری،

در سالگرد جانباختن شان!

علی افشاری نیکو صفحه 6

پیام کمیته هماهنگی کارگران اراچی

و بیکاران تهران وحومه

صفحه 7

اخبار آکسیونهای هیجده تیر

در برمن، لندن و بروکسل

صفحه 8

جنبش دانشجویی



برپایه نقد فوق است که مقولات کلیدی گفتمان جدید هویت پیدا کرده و شفاف می گردند. در نقد شکست جنبش اصلاح طلبی نباید تنها به نقد سیاسی آن اکتفا کرد.

این نقد باید هم زمان درهرسه بعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد. واکنش مردم به روند موسوم به توسعه باصطلاح سیاسی بسیار روشن است. تحریم شوراهای اسلامی شهر و روستا و بویژه تحریم انتخابات هفتم درکلان شهرها توسط 70 درصد شهروندان نمی تواند از دیدگان کسی پوشیده بماند. اما نقد این گفتمان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی غالباً مغفول می ماند. محدحاتمی اخیراً درسختانی موفقیت عرصه اقتصادی را بیش از عرصه سیاسی دانسته و از سوی دستیاران وی با مباحث گفته می شود که تنها در طی سال 82 به اندازه ده سال دوران قبلی باصطلاح خصوصی سازی صورت گرفته است. اما آیا این باصطلاح توسعه اقتصادی و خصوصی سازی بجز افزایش تصاعدی بیکاری و خانه خرابی میلیون ها تن، حذف خدمات و تأمین های اجتماعی، گسترش تصاعدی فساد و غارت و حتی تقویت و تحکیم مواضع مافیای اقتصادی و باندهای تحت کنترل جناح موسوم به اقتدارگرایان حاصلی داشته است؟ تا آن جا که به نظر و واکنش مردم و انبوه زحمتکشان نسبت به این روند مربوط می شود آنان به عریان ترین وجهی از طریق اعتراضات پدانه و مداوم که از دید هیچ کس نمی تواند پنهان بماند. ارزیابی و واکنش خود را نسبت به روند فوق نشان داده اند. اعتراضات روبه گسترش قاطبه کارگران و معلمان و پرستاران و حتی خود دانش جویان ... از جمله دلایل صحت ادعای فوق است. در بعد اجتماعی در طی سالیان اخیر تشدید ستم و آپارتاید جنسی و گسترش بی سابقه تجارت و داد و ستد جنسی، افزایش بیسابقه کودکان خیابانی و دامنه اعتیاد، رویکرد گسترده به فروش اعضاء و جوارح اندام خود برای گذران زندگی و بالاخره تشدید ستم ملی- مذهبی بر اقلیت های قومی از زمره نشانه های وخامت روزافزون وضعیت اجتماعی است.

بنابراین در گفتمان جدید درکنار مقولاتی چون جمهوریت، درخواست حکومت عرفی مبتنی بر جدائی دین از دولت و طرح آزادی لازم است بر مطالبات اقتصادی و اجتماعی نیز به همان اندازه اهمیت داده شود. بدون طرح مطالبات اجتماعی و اقتصادی مردم، سخن گفتن از نقد گفتمان شکست خورده هنوز یک نقد نیم بند و یک جانبه بوده و نمی توان از طریق بسیج جنبش های اجتماعی و پیوند با آن ها، مقولات معطوف به دمکراسی و آزادی را از فضا های باصطلاح گل خانه ای و از میان نخبگان و محدوده احزاب و گروه های رسمی موجود در عرصه سیاست به متن جامعه و بسوی اعماق سوق داد. در برخورد با ضرورت یک نقد همه جانبه نسبت به گفتمان شکست خورده، در میان صفوف جنبش دانش جویی ما شاهد حضور سه گفتمان ولایت مشروط، گفتمان نئو لیبرالیستی و گفتمان آزادی و برابری اجتماعی هستیم. در وجه اصلاح طلبانه ما شاهد فعالیت کسانی هستیم که هم چنان تلاش می کنند تا با استفاده از سنرگهانی که در اختیار دارند جنبش دانش جویی را در چنبره گذشته و تاروپود

یک نظام مذهبی نگهدارند. سیاست های حاکم بر انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی نمونه برجسته ای از این تلاش های مذبحانه به شمار می رود. تنها نگاهی به مطالب منتشره در نشست این نهاد و نیز بیانیه این انجمن به مناسبت 18 تیر که در آن هم چنان از مواضع "رهبر معظم سخن" به میان می آید و نسبت به اپوزیسیون خارج خط و نشان کشیده می شود. نشان می دهد که بقایای واپسگرانی تا چه حد در وجود آنان ریشه کرده است. تلاش جبهه مشارکت برای سازماندهی هسته های دانش جویی در دانشگاه های مختلف برای کنترل حرکات دانش جویی و سمت و سو دادن به آن در چهارچوب "تفسیر دمکراتیک" از قانون اساسی گوشه دیگری از این گونه تلاش های واپسگرایانه را به نمایش می گذارد. درخواست این گونه تشکل ها از رژیم برای دادن مجوز جهت برگزاری مراسم 18 تیر و به انتظار آن نشست نشان می دهد که تا چه اندازه آنان از روح حاکم برمختصه های دوره جدید که مبارزات فراقانونی از جمله یافته های مسلم آن است بیگانه هستند. گفتمان دوم گرچه در مبارزه علیه کلیت رژیم باگفتمان سوم همسو است اما نقد گفتمان شکست خورده اصلاح طلبی را فقط در محدوده سیاسی دنبال می کند. آنها انتقادی نسبت به کلیت سیاست های تباه کننده اقتصادی و اجتماعی اصلاح طلبان ندارند. و بالاخره باید به گفتمان طیف سوم یعنی مدافعان آزادی و برابری اجتماعی اشاره کرد که برپایه نقد همه جانبه گفتمان شکست خورده، با تأکید بر پیوند جدانشدنی اندیشه آزادی و برابری، تکیه بر جنبش های اجتماعی و شفاف سازی مطالبات و تقویت همبستگی آنان و پیوند جنبش دانش جویی با جنبش جهانی روبه گسترش ضد سرمایه داری قرار دارد.

این گرایش گرچه بدلیل تضج جنبش های اجتماعی و مطرح شدن همزمان و ترکیبی مطالبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و با توجه به شکاف های روزافزون طبقاتی و جنسی و قومی- مذهبی در سطح جامعه و هم چنین بدلیل خاستگاه طبقاتی اکثریت بزرگی از دانش جویان و افق تیره پس از اتمام دوران دانشگاه زمینه های خوبی برای رشد و بالندگی دارد، و حتی از هم اکنون شاهد پیدایش جوانه های امیدبخشی چون اعلام حمایت و همبستگی گروهی از کارگران احراری و بیکار شده و یا پرستاران با جنبش دانش جویی هستیم، اما هنوز تا فرادستی گفتمان این گرایش در سطح جنبش دانش جویی فاصله داریم.

هم اکنون اصلاح طلبان درون و بیرون از حاکمیت تلاش وسیعی را بکار گرفته اند تا بار دیگر جنبش دانش جویی را هم چون تسمه نقاله و یا چون محلی در خدمت اهداف خود و این بار در قالب ائتلاف های احزاب و نیروهای اصلاح طلب شکست خورده و یانیمه شکست خورده در بیاورند. چنان که نهضت آزادی که خود از حامیان پرویاقرص اصلاح طلبان حکومتی بوده و هست پیام تأسیس پارلمان دانشجویی می دهد و جبهه مشارکت، رضوی را وارد دستگاه رهبری تحکیم وحدت می کند، تا شاید بار دیگر جنبش دانش جویی را با مشغول کردن به بازی در بساط بالائی ها در خدمت اهداف خود بکارگیرد. اما از سوی دیگر می توان امیدوار بود که جنبش دانش جویی علیرغم کشاکش فوق در پی تعمیق نقد ریشه ای و همه جانبه از گذشته، با عبور از بازی در بساط نیروها و احزاب موجود، پیوند با اعماق و جنبش های اجتماعی و تقویت هم بستگی آن ها با یکدیگر را بعنوان خط راهنمای خود منبای هرگونه تلاش در دوره جدید قرار دهد.

گوشه هایی از کنفرانس

بینی معتقد بود که جنبش زنان ایران رهبری جنبش های زنان در خاورمیانه را در دستان خود دارد و بی تردید در 10 ساله آینده مدارج بالایی را طی خواهد کرد.

اینجا اما کار خوب خانم **نسترن موسوی** نیاز به تأکید ویژه دارد. او به تحلیل و بررسی بازتاب مناسبات جنسی در ادبیات داستانی پرداخت و گفت که پروسه مدرنیته خود به زنانی متفاوت با چهارچوب های گذشته نیاز دارد. او پروسه رشد جنبش زنان را در ادبیات داستانی در سه دوره بررسی کرد و دوره کنونی را دوره هویت یابی زنان اعلام نمود. او تأکید داشت زن در داستان هایی که اکنون نوشته می شود، اساساً به قشر معینی تعلق دارد و مسائل مربوط به زنان روستایی، طبقه کارگر و یا زنانی که در مهاجرت بسر می برند، کمتر در داستان ها به چشم می خورد. این امر به دلیل شرایط بسیار دشواری است که هم اکنون نویسندگان ما در آن بسر می برند. آن ها مجبورند شبانه روز برای امرار معاش خود و خانواده خود کار کنند و درکنار آن از زمان اندکی که باقی می ماند استفاده کرده و داستان بنویسند. وی ادامه داد در چنین شرایطی مسلماً انتظار زیادی نمی توان از نویسندگان داشت. آنان برای آنکه بتوانند داستانی را بپروانند، می بایست در محیط مربوطه زندگی کرده و با ویژگی های آن آشنا شوند و انجام چنین کاری نیاز به بودجه و حمایت دارد، در حالیکه نویسندگان ما در حال حاضر برخاسته از توزیع داستان های خود نیز ناتوانند.

کار ارزنده **شبهلا شفیق** نیز قابل ذکر است. او با نگاهی دیگر به فروغ و شعرهای او، زن را بمثابة یک هویت فردی بررسی کرد. او از فروغ باری می گیرد تا زن بتواند "من" خود را بازابد و دگم و تعصب را به کناری نهد و اصل خود را بازشناسد. حیف که خانم شفیق زمان را نادیده گرفت و بسیار زیاد و سریع خواند و مسلماً این اشکال باعث عدم تمرکز شنوندگان شد.

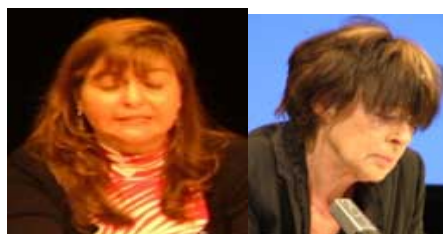
کنفرانس بنا بر سنت دیرینه خود این بار نیز میز گردی از نسل دوم سازمان داد. آنها چه برصفا داستان زندگانی خود نوشتند و چه با احساس گوشه های خاطرات خود بازخواندند. در ایران، در مهاجرت، در برخورد با مردم، با پدر و مادر و با فامیل. چه دقیق کنایه ها را باز یافتند و با چه اعتماد به نفسی بر هویت خود که حالا دیگر هم ایرانی بودند و هم شکل گرفته در کشور مهاجر، پای فشردند. آنجا که آزاده ترجیح داد تم قانون روسری در برخی کشورهای اروپایی را محور کند، برخی به ناحق تحملشان طاق شد. اما آزاده 23 ساله چه زیبا به دفاع از دمکراسی برخاست. جای بس امیدواری ست!

کنفرانس در روز اول با قرائت زندگی نامه خانم **هما ناطق** و با بیان خاطراتی از او به قردانی از وی پرداخت. با اینکه قردانی از هما ناطق زمان طولانی ای از کنفرانس را به خود اختصاص داد، اما شنیدن خاطرات دوران بعد از انقلاب و حوادثی که در آن روزها گذشت، خاطره انگیز بود. ولی جا داشت نقدی نیز بر مواضع اخیر خانم ناطق که مهر بطلان بر مواضع قدیمش زده است، می شد. جای این نقد در صحبت های سخنرانان خالی بود.

اما نگین درخشنده در طول کنفرانس، همانا برنامه های هنری آن بود. فیلم زهره و منوچهر ساخته **میترا فراهانی** با تم بکارت، که آمیخته ای بود از فیلم مستند و سمبولیک، ارزش دیدن داشت. بعد از پایان فیلم احساس می کردی، گفتنی ها گفته شد. انگار باری از روی دوش برداشته شد و وظیفه ای تو بر دوش گذاشته شد. احساس می کردی، حال می توان آغاز کرد، حال باید این مهم را به انجام رساند.

رقص جادویی **شاهرخ مشکین فلم** با الهام از رقص های هندی، کردی، صوفی و ایرانی به اجراء درآمد و نگاه ها را بر خود میخکوب کرد.

گروه فتنه با اجرای دکلمه زیبای **پروانه**، زندگی یک زن را در دوره های مختلف قبل از انقلاب 57 تا زندگی در مهاجرت بطور طنزآمیز و با مهارتی کم نظیر، همراه با صدای دلنشین گلرخ، کار موفقی را ارائه کرد. اما **دریا دادور** با زیبایی مینیاتوری خود، گنجینه ای در حنجره دارد که شنونده را مسحور صدای خود و مفتون اجرای خود می کند. به قول یک شنونده که شعری برای وی سروده است، اگر خواهی بدانی راز دریا، بیاید بشنوی آواز دریا، چو بر آواز دریا دل سپاری، ببینی هر زمان پرواز دریا.



در میان انبوه زنان ایرانی مهاجر که در کشورهای مختلف دنیا زندگی می کردند، زنان و دخترانی نیز از ایران در کنفرانس شرکت کرده بودند. آمار ندارم. اما هر چند تا بودند، امید که به رابطه ای فعال و مؤثر تبدیل گردد.

تعداد انگشت شماری مرد به چشم می خورد که خود از عدم جدی گرفتن چنین کنفرانس هایی توسط مردان حکایت می کرد.

با وجودی که یکی از سخنرانان کنفرانس خانم **تورمررور**، فمینیست فعال و مدافع حقوق بشر در آلمان بود که در باره جنبش زنان آلمان از گذشته تا کنون صحبت می کرد و مشکلات و گره گاه های این جنبش را در شرایط کنونی بر می شمرد، تعداد بسیار کمی خارجی در کنفرانس شرکت کرده بودند.

از زنان فارسی، زنان افغانی و کردهای عراقی و غیره نیز آطور که باید و شاید اثری نبود. از استثنائات باید گذشت.

ناریک احمد که عضو حزب کمونیست عراق و یکی از بنیان گذاران سازمان مستقل زنان در کردستان عراق است، به زبان فارسی سخنرانی خود را ایراد نمود. هرچند که برخلاف تیتز سخنرانی که بررسی موقعیت زنان در عراق کنونی بود، اساساً و بطور کل به بررسی وضعیت سیاسی عراق بعد از بمباران آمریکا پرداخت و کمتر به جنبش زنان در عراق توجه کرد. این امر به درستی از جانب برخی شرکت کنندگان مورد نقد قرار گرفت.

باید گفت که چنین نقدی در مورد اکثر سخنرانان صادق بود. تیتزهای اعلام شده و سخنرانی های ارائه شده گاهی هم خوانی نداشتند. برای مثال، خانم **رویا طلوعی**، پزشک و فعال زنان در کردستان، که قرار بود مدرنیته در ایران و مسئله زن را مورد بررسی قرار دهد، اساساً به بررسی جنبش زنان کرد پرداخت و گفت که ایران در پروسه گذار از سنت به مدرنیته است بدون اینکه زمینه های فرهنگی و سیاسی آن آماده باشد. وی که خود را برای شرکت در مجلس ششم کاندید کرده و رد صلاحیت شده بود، اعلام نمود که شرایط مناسب برای تند روی نیست و جنبش اصلاحات هنوز به پایان نرسیده است. او با ارائه آمار و ارقام از جنبش زنان کرد، به تحسین پیشرفت زنان کرد در کردستان پرداخت.

خانم **سوسن رخس**، جامعه شناس نیز که قرار بود جنبش زنان متأثر از نزاع بین مدرنیسم و مذهب را به تحلیل کند، اساساً به مقایسه جنبش زنان در دو کشور مصر و ایران که از جمله کارهای تحقیقاتی وی بود، پرداخت. وی که همچنان مجذوب سفر اخیر خود، بعد از سال ها، به ایران بود، بعد از مصاحبه ها و گفتگوهای که با برخی زنان از جمله الهه کولایی و امثالهم داشت، با خوش

مرگ دختران نوجوان



در کشوری که در یک زلزله معمولی در هزاره سوم میلاد ، 50 هزار کشته می شوند ، بر اثر سهل انگاری قطاری منفجر و صدها کشته به جا می گذارد یا تانکر نفت در اتوبان بیش از صد نفر را جزغاله می کند . خیابانها و جاده هایش بیشتر از همه جای دنیا کشته می دهد . خبر مرگ دختران نوجوان بر اثر سقط جنین چه کسی را تکان می دهد ؟!

جان آدمی در این آب و خاک بی ارزش تر از ماسه های بیابان شده است . بیندیشیم بر سر مردم ما چه آمده است . غیرت و غرور و هویت مردم ما کجا رفته است . به جز اقلیتی دانشجو که گاو پیشانی سفید دانشگاهها شده اند که آنها هم یا در زندان ها اسپرند یا در دادگاههای رنگارنگ سرگردان هستند ، اکثریت مردم آیا غمی از رنج مردم و محروم و درمانده به دل دارند ؟ نمی توان گفت که نه . البته یک کمی ، ولی نه آنقدر که زندگی روزمره شان از مسیر عادی خارج شود . اکثریت مردم می توانند برای اعتراض با اتومبیلهایشان در خیابان بوق بزنند ولی اگر این بوق زدن هم هزینه اش بالا برود ، برمیگردند خانه ، مینشینند پای ماهواره پاتیناز نگاه می کنند و با تلویزیونهای لوس آنجلسی سرگرم می شوند . معلمها ، پرستارها ، کارگران کارخانه ها تجمع می کنند و به حق ، حقوق معوقه خویش را مطالبه می کنند . ولی هر کس سنگ خود را به سینه می زند ، کمی که امتیاز گرفت و قسمتی از حقوقش که به حساب واریز شد بر می گردد خانه . برای فردا خدا کریم است . وقتی مشکلات زیاد شد ، سفره حضرت ابوالفضل ، آجیل مشکل گشایی یا نماز امام زمانی مشکل را حل می کند ، مشکل که حل شد می فهمی که خدا چقدر مهربان است .

ولی وقتی که مسائل حل نمی شوند و هر روز بدتر از روز گذشته می شود به نقطه ای می رسی که دیگر جزو طبقه نجس جامعه می شوی ، آدمهایی که خدا نخواستند کمکشان کند ، آدمهایی که اصلاً از اول بدکاره بوده اند . آنقدر گیج می شوی که فقط باید به نان همان روز فکر کنی ، فرزندت را برای پول در آوردن به خیابان می فرستی . برای فروش راهی دبی و امارات و پاکستان می کنی .

چرا؟ چرا؟ فاجعه فحیره کسی را تکان نداد . چرا خبر دختران خیابانی که بر اثر سقط جنین می میرند کسی را تکان نمی دهد . فقط به اندازه خبری کنار اخبار دیگر ؟ چرا مردم نمی آیند یک روز به خاطر دختران بیچاره و بی پناه ، به خاطر دخترانی که در پاکستان و امارات بردگی می کنند ، در خیابانها با اتومبیلهایشان راه پیمایی کنند و بوق بزنند .

نوجه : مطالب مندرج در ستون دیدگاه ، بدین معناست که همه نکات مطروحه در آن ، لزوماً مورد تأیید نشریه نیست .

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49-40-6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.com

دبیر کانون صنفی معلمان دستگیر شد

محمود بهشتی، دبیر کانون صنفی معلمان و ذاتی، سخنگوی سابق کانون صنفی معلمان امروز ساعت 16 روز شنبه بیستم تیرماه جاری دستگیر شدند. معارفی، مسوول دفتر بازنشستگان آموزش و پرورش، در این خصوص به خبرنگار ایلنا گفت: عصر امروز تعدادی افراد از دادگاه انقلاب به منازل آقایان بهشتی و ذاتی با ضبط وسایل منزل آنها این دو فرد را دستگیر کردند. وی افزود: به دنبال این دستگیری تلفن‌ها و وسایل ارتباطی این افراد قطع شده است. لازم به تذکر است که آقای بهشتی ، هفته گذشته طی گفتگویی ، بر لزوم تداوم اعتراضات معلمان ایران پای فشرده بود .

عراق باتلاق بی انتها

این سیاست را ، اما ، امریکا و متحدینش هنوز نتوانسته اند در عراق پیاده کنند. روی کار آوردن مهره های تربیت شده سیا و دیگر سازمانهای جاسوسی، اعلان نوعی حکومت نظامی ، قذغ کردن تجمعات ، کوتاه آمدن در مقابل آیت الله سیستانیها، امتیاز دادن و معامله با رژیم جمهوری اسلامی همگی میتوانند زمینه همان سیاست قدیمی امپریالیستی باشند و با دموکراسی و آزادی برای مردم عراق به هیچ وجه خوانایی ندارند. ناکامی های پی در پی نیروهای ائتلاف بخصوص در مناطق شیعه نشین عراق بهترین فرصت را برای رژیم جمهوری اسلامی جهت نفوذ در عراق و امتیاز گیری و معامله با امریکا در خارج از یک سو و تشدید سرکوب در داخل از دیگر سو فراهم کرده است. سکوت کشور های غربی در برابر جنایاتی که در این منطقه در جریان است همه نیروهای درگیر بخصوص رژیم جمهوری اسلامی را در پیشبرد اهداف جنایت کارانه خود تقویت کرده است. این رژیم با سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم عراق میکوشد بر بحران سیاسی و اقتصادی که سالهاست گریبانش را گرفته سرپوش بگذارد و جلوی رشد مبارزات آزادیخواهانه در ایران و کشورهای همسایه را بگیرد . پیش برد این اهداف با اهداف امپریالیسم در این منطقه خوانایی دارد. بنابراین نه اشغال ، نه عملیات انتحاری ، نه ترورهای فردی یا دولتی، نه توسل به این یا آن مرتجع مذهبی منطقه ، نه شادی سلطنت طلبان از دخالت امریکا در عراق و منطقه هیچیک به استقرار صلح ، استقلال ، آزادی و دموکراسی در منطقه کمک نخواهد کرد. استقلال ، آزادی و رهایی از یوغ امپریالیسم ، با حاکمیت مردم به دست خود آنها میسر است و در این راه است که باید به یاری مردم عراق شتافت.

08.07.2004

تشییع جنازه اکبر رحمانیان استاد جوان دانشگاه در جهرم

به گزارش سایت پیک ایران ، در مراسم تشییع جنازه اکبر رحمانیان ، استاد جوان دانشگاه و مهندس کامپیوتر در جهرم که روز چهارشنبه توسط یک افسر وزارت اطلاعات به قتل رسید مردم این شهر بهمراه دانشجویانی که از شهرهای تهران ، اصفهان و شیراز به جهرم آمده بودند ، خشم و بیزارگی خود را این جنایت عوامل رژیم جمهوری اسلامی ابراز کردند. ارگانهای مختلف حکومتی در جهرم شامل نیروهای اطلاعات ، انتظامی و بسیج از صبح ، مسیر تشییع جنازه و اطراف مزار این استاد جوان را در خاک سفید جهرم محاصره و کنترل می کردند. ماموران ، خانواده و بستگان اکبر رحمانیان را تهدید کرده بودند که در مراسم تشییع جنازه نباید هیچ اعتراضی صورت گیرد در غیر آن با عواقب سختی روبرو خواهند شد. گردانندگان اداره اطلاعات جهرم در توجیه جنایت خود گفتند " قتل اکبر رحمانیان به خاطر آماده باش نیروهای حکومتی در سالگرد 18 تیر و بر اثر بی احتیاطی صورت گرفته است ". این توجیه بیش از پیش خشم مردم و دانشجویان جهرم وسایر شهرها را برانگیخته است. بنا به گزارشهای رسیده ، قاتل ، فردی به نام یوسفی از مزدوران بدنام و جنایتکار اداره اطلاعات در جهرم است.

در درگیریهای پنجشنبه گذشته در شهر باکو که صدها ضحی و کشته به جای گذاشت و به پنجشنبه سیاه معروف شد، شبنامه های مختلفی پخش شده بود. در یکی از این شبنامه ها نوشته شده بود " گوشت کسانیکه با امریکا همکاری میکنند از گوشت خود امریکایی ها لذت تر است." ویا اعلان محاکمه صدام روز جمعه گذشته صدها نفر از طرفداران او دست به تظاهرات زدند و شعار: " باخون و جان خود از صدام دفاع می کنیم ." سر دادند. مجاهدین سنی نیز به مناطق مختلط شیعه و سنی رفت و آمد دارند و سعی میکنند با کشتار شیعیان ، خانواده آنها را به درگیریها بکشانند. در لیست های سیاهی که به دست آمده نام دهقانان صلح طلب غیر سیاسی دیده میشود ، سعی بر این است که کسی بی طرف نماند و تا آنجا که ممکن است به جنگ داخلی دامن زده شود.

در راه انداختن چنین اغتشاش و هرج و مرجی رژیم جمهوری اسلامی بیکار ننشسته است و با کمک های مالی، نظامی و تبلیغاتی به لشکر بدر و شیعه های دست نشانده خود در کربلا، نجف ، سامرا و کاظمین بر تور درگیریها می دم. در امریکا ، اما ، وضع به ضرر جرج دبلیو بوش تغییر کرده است. دورانی که کل ملت اخبار ای بی سی (A B C) ، سی بی سی (CBS) و ان بی سی (NBC) را با کنجکاوی دنبال میکردند سیری شده است. فقط 26 درصد از بینندگان سی ان ان اخبار آنرا باور میکنند و بیش از نیمی از بینندگان تلویزیون اخبار جنگی را دروغ ارزیابی میکنند. این قطعی شدن جامعه تاثیر خود را حتی بر معروفترین نظریه پردازان راست گذاشته است. مثلا دیوید بروک نویسنده ای که کتاب " ماشین جاروجنجال جمهوریخواهان" اش از پرفروش ترین کتابهای ماههای اخیر بوده است و خود قبلا برای نشریات راست مقاله می نوشت و اخیرا با آنها فاصله گرفته، در کتاب خود توضیح داده است که هزینه اندیشه جمهوریخواهان (بنیاد هرینج ، انستیتو اینترپرایز امریکا) را هواداران نروتمند حزب جمهوریخواه تامین مالی میکنند و روزنامه نگاران راست رامورد مرحمت خود قرار میدهند. همین روزنامه نگاران بودند که مایکل مور و ال فرانکن ، دو مخالف اساسی بوش را " متنفذین از امریکا " نامیدند. ال فرانکن در کتابهای خود سخن گوی معروف رادیو، آقای راش لیم بو را " حرفت کبیر " و " دروغگوترین دروغگویان " نامید و خود اقدام به تاسیس فرستنده مستقلی بنام " ایر امریکا " کرد. تلفات جانی و خسارات مالی امریکا بقدری سنگین است که در خود امریکا نیز اعتراضات مردمی بالا گرفته است و طراحان اصلی حمله به عراق، بوش و بلر، رابه موضع دفاعی افکنده است. مثلا پس از همه پرسشی کانال سی ان ان و روزنامه امریکایی تودی (To Day) مشخص شد که 54 درصد مردم ، فرستادن نیرو به عراق رایک خطا ارزیابی میکنند و بیش از نیمی از آنان جهان را هم اکنون ناامن تر میدانند.

مساله حمله به عراق و اشغال آنرا نمیتوان تنها به اشغال آن و مقاومت مردم خلاصه کرد. امریکا میخواهد نظم جدید را در منطقه خاور میانه مستقر کند و منابع عظیم زیر زمینی آنرا به یغما برد. برقراری دموکراسی در این منطقه نقاب است که دول امپریالیستی میخواهند خود را در پشت آن پنهان کنند. فراموش نکرده ایم که امریکاپس از استفاده از بنیادگرایان علیه شوروی سابق در افغانستان آنها را کنار گذاشت اما بجای برقراری دموکراسی دست نشانده جدیدی به نام کرزای رابه قدرت رسانید تا جمهوری اسلامی دلخواه امریکار را قرار کند و کرزای در همان روزهای نخست به دستور ارباب خود فعالیت دو گروه را قذغ کرد: طالبان و کمونیست ها .

برای ما اکنون بیش از یک قرن است که مشخص شده است که رژیم های دیکتاتور و تمامیت خواه چه به دستور امپریالیسم و چه به دلیل ماهیت ارتجاعی خود ضد آزادی و دموکراسی اند و هر نیروی آزادیخواهی را تحت عنوان کمونیست قلع و قمع میکنند. گذاشتن نام کمونیست ها کنار نام طالبان دنباله همان سیاست های امپریالیستی قدیم در این منطقه است.

*** در مسلخ عشق جز نکو را نکشند ! ***

پیاد دو رزمنده راه کارگری ، در سالگرد جانباختن شان!

علی افشاری نیکو

به مناسبت سالگرد جان باختن رفقا: حسن افشاری نیکو و محمد رضا جلالی فر تصمیم گرفتم به عنوان برادر حسن ودوست و هم‌رزم محمد رضا، گوشه ای از زندگی نامه این دو عزیز را برای تمامی رفقا و رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم بازگو نمایم .

1- برادر **حسن افشاری نیکو** در سال 1334 در تهران متولد شد . حسن در 1353 دیپلم گرفت و بلافاصله در کنکور سراسری شرکت کرد و از سال 1354 در دانشگاه مشغول درس شد و از همان زمان با سازمان چریکهای فدایی خلق فعالیت داشت، تا اینکه در سال 1356 در حال چسباندن اعلامیه درداخل دانشگاه ، به جرم خرابکار دستگیر شد و به مدت 6 ماه در زندان قصر زندانی بود. او پس از آزادی در سال 57 فعالانه در انقلاب شرکت داشت و از بدو تاسیس سازمان راه کارگر به عنوان یکی از مسئولین فعال سازمان شروع به فعالیت کرد و بخشی از مقالات و متون نشریه را تهیه و تنظیم می کرد . وظیفه من تحویل دادن مطالب به رفقای مسئول چاپ و تحویل گرفتن مطالب آماده شده از رفقا بود.

حسن در سال 1359 با یکی از رفقای هم سازمانی ازدواج کرد و یکسال بیشتر از زندگی مشترکشان نمی گذشت که یک شب ساعت 12 به منزل ما ریختند- در تاریخ 20-10-1360- خوب به خاطر دارم که از درب منزل و پشت بام به داخل منزل هجوم آوردند . ضمناً قابل توجه است که دو هفته قبل از دستگیری حسن به منزل یکی از رفقای دیگر ریخته بودند. که آن رفیق در منزل نبوده و او موفق شد بعد از مدتی که مخفی بود از ایران خارج شود. پدرم با شنیدن این موضوع از حسن خواست که او هم مخفی شود تا تدارک خارج شدنش از ایران را بدهد ولی حسن قبول نمی کرد و معتقد بود با پست ایستاد و مبارزه کرد. در طول این دو هفته هر شب منزل ما بحث بود پدر و مادرم میخواستند که حسن از ایران خارج شود ولی او قبول نمی کرد در همین حین صدای شخصی آمد که روی پشت بام می رود و محکم به کانال کولر برخورد کرد و همان لحظه صدای زنگ در به صدا در آمد ظرف کمتر از یکدقیقه تعداد زیادی پاسدار با لباس شخصی داخل منزل شدند و حسن را با زیر شلواری بردند پائین. من هم به همراه حسن پائین رفتم اتومبیلی رو به روی درب منزل ایستاده بود که چراغهایش با نور بالا روشن بود شخصی از اتومبیل پیاده شد و حسن را شناسایی کرد آن شخص کسی بود که با تشکیلات کار می کرد و بعد از دستگیری توبه کرده بود و تعداد زیادی از بچه ها را فروخته بود و حتی برای شناسایی به منزل آنها نیز می رفت. حسن و همسرش را بردند . حدود یکماه بدنیال آنها می گشتیم تمام زندانها را رفته بودیم در جواب می گفتند اینجا پست ولی شماره تلفنی بدهید اگر خبری پیدا کردیم به شما اطلاع می دهیم. بعد از یکماه تلفنی شد که متوجه شدیم حسن در زندان اوین است.

ماهی یکبار من، پدر و مادرم را برای ملاقات به پارک نزدیکی اوین می بردم و بعد از چند ساعتی یک مینی بوس

می آمد و پدر و مادر بچه ها را سوار می کردند و به داخل زندان می بردند و بعد از چند ساعتی آنها را به همان پارک بر می گرداندند. جمعاً پدر و مادرم سه ملاقات رفتند در خرداد 1361 برای ملاقات رفتیم ولی گفتند حسن ممنوع الملاقات شده است . مرتب سر می زدیم ولی با همان جواب مواجه می شدیم. تا اینکه از ما یک شماره تلفن دیگر خواستند. بعد از گذشت 2 ماه در اواخر مرداد ماه به منزل خاله من زنگ زدند و خبر اعدام حسن را دادند. وقتی به بهشت زهرا مراجعه کردیم متوجه شدیم 33 روز قبل از اینکه به ما اطلاع دهند حسن را اعدام کرده بودند و به ما اجازه نمی دادند که مراسمی برگزار کنیم و مرتب سنگ قبرش را می شکستند.

تاریخ اعدام: 27 تیر ماه 61 - قطعه 91 ردیف 6

2- رفیق **محمد رضا جلالی فر** در سال 1351 در تبریز متولد شد. رضا در یک خانواده متوسط متولد گردید و در سن 5 سالگی به همراه خانواده اش به تهران مهاجرت می کنند و دوره ابتدایی را در تهران شروع می کند و همینطور دوره راهنمایی که در آن زمان با سازمان آشنا می شود و شروع به خواندن مطالب می کند. که در سال 1366 برای تعطیلات به تبریز می رود و در منزل عمویش مدتی رami ماند که متوجه می شود پسرعمویش یکی از پاسداران سرشناس تبریز شده است و بعد از مقدار ی بحث و گفتگو رضا از منزل خارج می شود و بعد از ساعتی در تبریز دستگیر می شود که مدت 5 ماه در زندان بود و بعد با ضمانت آزاد می شود و به تهران بر میگردد که من در سال 1367 با او آشنا شدم و هر دو ما در یک واحد کار می کردیم و رضا مسئول پخش و چسباندن شبنامه بود و من به او کمک میکردم. یک شب در تاریخ 10-10-1369 برای پخش شبنامه سر قرار حاضر شدیم که هر دو ما را دستگیر کردند و رضا دائماً می گفت او با من نبوده است . رضا با سن کمش از درک و فهم بالائی برخوردار بود . بسیار جوان منطقی و با گذشت بود. ما را به زندان اوین بردند و همان لحظه ما را از هم جدا کردند. فقط یک بار چند ماه بعد در بهداری، رضا را دیدم که بسیار ضعیف شده بود و من بعد از 2 سال و نیم از زندان آزاد شدم که متوجه شدم رضا را در تاریخ 1370/4/9 اعدام کرده اند . رضا کلاً 19 سال زندگی کرد و در اوج جوانی جاننش را به خاطر اهدافش داد. جوانان در این سن و سال بیشتر دنبال درس یا پول و در آمد هستند ولی رضا به هیچ یک از این مسائل فکر نمی کرد و ما که خارج از کشور هستیم به خاطر خون پاک تمامی عزیزان و شهدا است که به ما پناهندگی می دهند و ما را قبول می کنند امیدوارم که این مسئله را فراموش نکنیم و به خون پاک این جانباختگان حرمت و احترام بگذاریم .

تاریخ اعدام: 9 تیر 1370 - قطعه 72 ردیف 14



پیام کمیته هماهنگی کارگران اخراجی و بیکاران تهران و حومه

ادامه خواهد داد و در این راستا دست تمامی سازمانها و احزاب رادیکال و انانی که در مبارزه خود در رابطه با منافع کارگران اهداف روشنی دارند و مواضع روشنی اتخاذ نموده اند را به گرمی می فشارد کمیته با توجه به اینکه دانشجویان پس از مبارزات پیگیر خود با تمامی فرصت طلبیهای داخل و فرصت طلبان موجود در اپوزسیون مرزبندی نموده استقبال و همراه با آنان به استقبال سالگرد هیجدهم تیر رفته و در تمامی مراسمها و اعتراضات آنان پیگیرانه شرکت خواهد نمود. کمیته هماهنگی به دانشجویان مرزبندی آنان را با سلطنت طلبان این سرکوبگران دیروز و تمامی فرصت طلبان امروز را تیریک و تهنیت عرض می نماید. کمیته هماهنگی از هرگونه اعتراض توسط کارگران کارخانجات مختلف حمایت نموده و آنان را برای همبستگی و اعتراضات یکپارچه و هماهنگ با دیگر کارخانه ها و صنایع و تشکل بی کاران و اخراج شده ها فرا می خواند. کمیته هماهنگی از تمامی حرکات و اعتراضات آموزگاران و پرستاران حمایت نموده و از آنان درخواست می نماید که برای عبور از پراکندگی مبارزات خود دست یاری کمیته را بشارند. ما برای عبور از پراکندگی باید با دیگر تشکلات ارتباط گرفته و هرگونه اعتراض را هماهنگ نماییم و مطمئنا مبارزات متشکل به سر منزل مقصود خواهد رسید. چون کمیته فعلا تشکلی نیمه مخفی است لذا برای تماس با ما به ادرس پست الکترونیکی زیر مراجعه نمایید.

مبارزه پیروزی
برقرار باد عدالت اجتماعی
83/4/10

کمیته هماهنگی کارگران اخراجی و بی کاران تهران و حومه

Komite_kargaran_ekhraji@yahoo.com

اعتراف رژیم به دستگیری ده نفر در هیجده تیر

مدیرکل سیاسی انتظامی استنادی تهران با عادی توصیف کردن وضعیت شهر در سالروز 18 تیر، از دستگیری حدود 10 نفر که در پی ایجاد تحرکات اعتراضی بودند، خبر داد. علی تعالی با اعلام این خبر به خبرنگار خبرگزاری (ایسنا)، وضعیت همه نقاط شهر در روز 18 تیر را آرام و عادی توصیف کرد. وی در عین حال با بیان این که دستگیر شدگان آزاد نشده اند، گفت: پس از تشکیل پرونده برای این افراد در روز شنبه، وضعیت چگونگی آزادی آنها بررسی می شود. لازم به تذکر است که برخی سایتهای اینترنتی، از حمله روشنگری، پیک ایران و دیدگاه، از برپا شدن اجتماعات آرام (بدون شعار) در تهران، مشهد و اصفهان خبذ دادند. در تهران، حوالی پل گیشا، میدان نور، صادقیه و میدان انقلاب، این تجمعات برگزار شد که به دلیل حضور سنگین فوای سرکوب و باندهای لباس شخصی بدون سر دادن هرگونه شعار انجام شدند

هموطنان! کارگران دانشجویان! در شرایطی که اکنون در آن به سر می بریم و هر روزه به خیل ارتش ذخیره کار ویی کاران در مملکت ما افزوده می شود حتی انانی که در کارگاه ها و کارخانه جات مختلف و ادارات مشغول به کار هستند نیز امید به تداوم کار خود ندارند و هر لحظه منتظر هستند تا با دلایل واهی از کار خود اخراج شده به صفوف بی کاران بپیوندند و هیچگونه امنیت شغلی برای شاغلان نیز مهیا نیست و هیچ مرجعی نیز برای دادخواهی و پیگیری کار این افراد در مملکت وجود ندارد ما بران شدید که تشکلی از خود کارگران اخراج شده تشکیل و برای احقاق حقوق خود مبارزه نماییم. رفقا و عزیزان، تا وقتی ما پراکنده هستیم و از حقوق خود بصورت پراکنده دفاع نماییم راه به جایی نخواهیم برد. تجربه یکصد سال عدالت خواهی این را به ما می آموزد که تا دست در دست یکدیگر نداشته باشیم نه تنها پراحتی سرکوب خواهیم شد، بلکه صدای فریادمان نیز به گوش کسی نخواهد رسید.

این تجربه ها نه تنها در رژیمهای گذشته بلکه در این بیست و پنج ساله حکومت جمهوری اسلامی بخوبی مشهود و عیان است. دانشجویان تجربه سرکوب خونین هیجدهم تیر را فراموش نخواهند کرد. کارگران تجربه سرکوب خونین خاتون اباد را فراموش نخواهند نمود. پرستاران و آموزگاران نیز به همچنین و حال وقت آن رسیده که حاصل این تجربیات را بکار بندیم و دست در دست یکدیگر به مبارزه علیه هرگونه ظلم و بی عدالتی و اخراج برخیزیم. دانشجویان و دانش آموزان! شما نیز فردای پس از اتمام تحصیل به خیل ارتش بی کار خواهید پیوست. پس بیایید از هم اکنون دست در دست یکدیگر برای احقاق حقوقمان فریاد بر آوریم. داشتن کار از ابتدایی ترین حقوق انسانی ماست.

لذا برای تداوم مبارزه و هماهنگ بودن در مبارزه ما بران شدید کمیته هماهنگی تشکیل و از کارگران اخراجی کارخانه ها و کارگاهها و دفتر خانه هاو تمامی کارگران و کارمندان مشمول و غیرمشمول بیمه تامین اجتماعی اعم از خصوصی و دولتی که به هر دلیل از کار خود اخراج شده و یا در آینده در معرض اخراج قرار دارند و همچنین خیل ارتش بی کار تمامی انانی که پس از رسیدن به سن قانونی کار اعم از باسواد یا بی سواد با هر مدرک تحصیلی از دانشجویانم با مدارک تحصیلی از آموزش عالی گرفته به پایین که به هر دلیل پس از طی سالها عمر هنوز قادر به استخدام شدن نگردیده و انانی که به اجبار برای معاش خود مجبور به تن دادن به کارهایی شده که در واقع از ان به عنوان کار نمی شود نام برد و تنها بی کاری پنهان می باشند مانند سیگار فروشی و مسافر کشی با موتور و..... از تمام این افراد دعوت بعمل می آوریم که به ما بپیوندند تا به اتفاق برای حقوق حقه خود به مبارزه برخیزیم. تمامی کارگران چه در کارگاههای کوچک چه بزرگ باید تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی باشند. داشتن کاری با حقوق مناسب که حداقل بتواند معاش و مسکن یک خانواده 5 نفری را تأمین کند. بجای به کار گیری کودکان باید امکان تحصیل رایگان را برای آنان فراهم نمود.

کمیته هماهنگی تا برقراری عدالت اجتماعی و تحقق شعار کار مسکن آزادی به مبارزه خود علیه هرگونه بی عدالتی

اخبار و گزارشات

برمن (آلمان)

گذشته باقی مانده است و بصورت روزانه حقوق زنان، جوانان و دانشجویان پایمال میگردد، اروپا بجای توجه به وضعیت حقوق بشر فقط به گسترش روابط اقتصادی و تجاری خود با ایران می اندیشد. سیاست اروپا امروز در خصوص پناهندگان ایرانی بسیار منفی است. در بعضی از کشورهای اروپائی پناهندگان ایرانی را به زور به ایران بازمیگردانند. ایران برای این متقاضیان پناهندگی امن نمی باشد. در ادامه برنامه، آقای " ونسان لورکن " معاون شهردار بروکسل و وکیل و مدافع حقوق بشر و حقوق پناهندگان ایرانی به سخنرانی پرداخت. ایشان گفتند: "تمام گزارشات سازمان عفو بین الملل و دیگر ارگان های بین المللی مدافع حقوق بشر بیانگر این امر است که در ایران به مفهوم و مضمون حقوق بشر توجهی صورت نمی گیرد. حکومت ایران در را به روی خود بسته است. ایران در منطقه به عنوان بزرگترین زندان آزادیخواهان و روزنامه نگاران ایرانی تبدیل شده. در ایران تنها یک نفر و آن هم علی خامنه ای رهبر حکومت تصمیم گیری میکند.

بعد از سخنرانی سخنگوی " جمعیت " ، شعارهایی به زبان فارسی و فرانسه توسط تظاهرکنندگان داده شد که از این قرار بود: دانشجویان دانشجویان حمایت میکنند

اتحاد مبارزه پیروزی

دانشجوی زندانی آزاد باید گردد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

اتحاد دانشجو اتحاد

جمهوری اسلامی نه ! جمهوری واقعی آری !

جمهوری اسلامی برکنار باید گردد، جمهوری مردمی ایجاد باید گردد

در این بخش از برنامه خانم مارگریتا سانچز استاد دانشگاه آزاد بروکسل به سخنرانی پرداختند . در بخش دیگری از مراسم ، دو نفر از فعالین " جمعیت " ، دو متن درخصوص حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق پناهندگی خواندند. آنها در متن سخنرانی خود جمهوری اسلامی را به دلیل عدم رعایت حقوق بشر در ایران محکوم کردند و در نوشته های خود دولت بلژیک را به دلیل نقض حقوق پناهندگی ایرانیان مورد اعتراض قرار دادند و خواستار رعایت قوانین حقوق بشر و پناهندگی شدند.

در ادامه برنامه آقای "ژان ماری پیه فو" چهره آشنای بلژیکی برای ایرانیان و عضو کمیته بلژیکی دفاع از حقوق بشر در ایران (کودپی) به سخنرانی پرداختند. برنامه با سخنرانی آقای "پیر گالات" سناتور بلژیکی از حزب سوسیالیست ادامه یافت . ایشان از طرف سناتورهای مجلس بلژیک حمایت خود را از خواست های دانشجویان اعلام کرد و گفت که در مبارزه برای دموکراسی، آزادی و حقوق بشر، از آزادیخواهان و دمکرات های ایرانی و بویژه از دانشجویان حمایت همه جانبه می کند. آخرین بخش برنامه خواندن پیامی بود که توسط دبیر حزب سبزهای فرانسوی زبان بلژیک، خانم "الوین هاتیه بروک" به مسئول جمعیت ارسال شده بود. پرداخته شد. سپس مراسم با خواندن قطعنامه به پایان خود رسید. که در آن بر خواستهای زیر پای فشرده شده بود :

1- آزادی بی قید و شرط دانشجویانی که در اعتراضات 18 تیر 78 دستگیر شده و هنوز در زندان بسر می برند.

2. آزادی تمام زندانیان سیاسی در ایران

3. ایجاد و اعزام یک کمیسیون بازرسی با هدف تحقیق و دیدن شرایط زندانیان سیاسی زندان ها و ناپدیدشدگان در فواصل زمانی کوتاه

4. تدابیر محکومیت جمهوری اسلامی ایران برای عدم رعایت حقوق بشر، سرکوب و اختناق وسیع بر علیه دانشجویان، نویسندگان و هنرمندان و دیگر افشار مردم که در تهران و شهرستانها دستگیر شدند.

لازم به تذکر است که تشکلهای : سازمان اتحاد فدائیان

خلق ایران ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ،

سازمان فدائیان خلق (اکثریت) ، حزب توده و انجمن زنان

دموکرات ایرانی در بلژیک، از این آکسیون حمایت بعمل

آورده بودند .

در حمایت از مبارزات دانشجویان و مردم ایران و برای اعتراض به قتل و کشتار آزادیخواهان ، نویسندگان، روشنفکران و هزاران مبارز انقلابی و کمونیست. و نیز برای آزادی همه زندانیان سیاسی ، برای خواست مجازات و محاکمه عاملین و آمرین قتل عام 67 و کلیه کسانی که از بدو قدرت گیری رژیم اسلامی تا کنون به قتل رسیده اند ، برای لغو کلیه تبعیضات و قوانین نا برابر علیه زنان و در حمایت از مبارزات مردم ایران در راستای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای آزاد و عاری از ستم و استثمار ، و گرامی داشت سالگرد قتل فجیع زهرا کاطمی روزنامه نگار ایرانی- کانادائی و سرکوب دانشجویان مبارز ، به فراخوان جمعی از فعالین چپ ایرانی مقیم "برمن" آکسیون در روز شنبه ده جولای در برابر درب ایستگاه اصلی قطار (هاپت بان هوف) برگزار شد .

لندن (انگلیس)

در روز پنجشنبه هشت جولای بمناسبت سالگرد خیزش دانشجویی و مردمی 18 تیر تظاهراتی در برابر ساختمان سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد . فراخوان این آکسیون توسط گروهها و تشکلهای مختلفی صادر شده بود از جمله " کمیون دفاع از مبارزات مردم ایران " که متشکل از تعدادی سازمانهای چپ ایرانی (از جمله رفقای سازمان ما) و فعالین مستقل چپ میباشد . تظاهرکنندگان با پخش اعلامیه ، حمل پلاکارد و سردادن شعار ، حمایت خود را از جنبش دانشجویان ، جوانان و توده های زحمتکش اعلام کردند و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی در مقابله با حرکات مردمی را محکوم نمودند . یکی از شعارهای اصلی این حرکت ، خواست آزادی زندانیان سیاسی از جمله دانشجویان درین بود .

بروکسل (بلژیک)

در روز چهارشنبه ۷ جولای تظاهراتی در بروکسل در برابر شورای اروپا توسط "جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران- بلژیک" برگزار شد، این تظاهرات در ساعت ۲ بعد از ظهر با حضور ایرانیان مقیم بلژیک شروع شد، پیش از تظاهرات از هفته ها قبل ، از یکسری احزاب، سازمان ها، شخصیت های سیاسی، نمایندگان پارلمان و سنای بلژیک، پارلمان اروپا، اساتید دانشگاه آزاد بروکسل، کمیته های حقوق بشر بلژیک و وکلای دمکرات بلژیکی و همچنین شخصیت هایی از احزاب و تشکل های سیاسی دعوت بعمل آمده بود. که شخصیت های شرکت کننده در آن روز به سخنرانی پرداختند . بعد از اعلام برنامه، خانم آنجلیکا بی بر "سخنگوی رسمی حزب سبزهای آلمان در پارلمان اروپا و نیز رئیس فراکسیون حزب سبزها در اروپا" به زبان انگلیسی سخنرانی نمودند. ایشان گفتند: "امروز ما وارد پنجمین سالگرد حمله نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران به دانشجویان دانشگاه تهران در ۸ جولای ۱۹۹۹ میشویم و بدین منظور در اینجا جمع شده ایم. از آن دانشجویان بعضی هنوز در زندانند و یک نفر نیز کشته شده است. ما در اینجا جمع شده ایم که همبستگی خودمان را با شهروندان ایرانی اعلام کنیم و از خواستهای آنان برای دموکراسی، آزادی و حقوق بشر حمایت می کنیم.

بعد از سخنرانی ایشان، خانم "ژوئه ژنوت" نماینده پارلمان بلژیک از

حزب سبزها پشت تریبون قرار گرفت و سخنان خود را چنین آغاز

کرد: "تظاهرات و اعتراضات ایرانیان و جمعیت شما بیانگر این

واقعیت است که وضعیت ایران در عرصه حقوق بشر همچنان مثل